

شد، موضوع برای او خواهد بود! به نظر من باید مسائل را با گفت و گو حل کنیم. در بعضی از حوزه‌ها باید این گفت و گوها شکل بگیرد و بگوییم می‌خواهیم این موضوع را به این واسطه حل کنیم. البته این اشکالات نیز وجود دارد. درحقیقت وارد عرصه گفت و گو شویم. در غیر این صورت، اگر به ساختارها بچسبیم، در مصادیق به تنازع‌هایی می‌رسیم که آن وقت منیت‌های ما کار می‌کند. زمانی ممکن است شورای عالی انقلاب فرهنگی به سمت خودش بکشد و زمانی مجلس این کار را انجام دهد.

**این اتفاق باعث می‌شود تا گاهی کارها روی زمین باقی بماند.**

بله، آن وقت هدف محقق نمی‌شود؛ هدفی که گاهی هم ما و هم مجلس می‌خواهیم دنبال کنیم.

### مشکل مادر حوزه تربیتی؛ بحث ادبیات نظری و محتوایی است

**شورای عالی انقلاب فرهنگی در طول بیش از چهار دهه گذشته دستاوردهای مختلفی داشته است. آخرین دستاورد در حوزه تعلیم و تربیت چه بوده است؟ ویژگی شورای فعلی را چه می‌دانید؟**

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که تصویب شده، جزء ناب‌ترین و بهترین اسناد علمی کشور است. همین سند از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب شده و دستاورد کمی نیست که ما در حوزه نظام تعلیم و تربیت، حداقل مبانی نظری داریم. در حوزه علوم تربیتی، بزرگ‌ترین مشکل ما این است که اشکال ادبیات نظری و محتوا داریم ولی مبانی نظری نظام تعلیم و تربیت ما در حال حاضر مدون است. اگر بگوییم نیاز به به‌روزرسانی دارد، حرف درستی است اما اساس کار وجود دارد که خودش بزرگ‌ترین دستاورد است. در ادامه در مرحله اجرا و پیگیری روی این جنس مصوبات از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، اشکالاتی داریم. اینجا شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمانت اجرایی برای محقق کردن مصوبات خود ندارد. به همین دلیل خیلی از مصوبات در مرحله اجرا متوقف می‌شود و با پیگیری‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به نتیجه نمی‌رسد، چون ما پیگیری و دنبال می‌کنیم اما ضمانتی وجود ندارد.

به‌عنوان مثال قریب به پنج سال از وزارت آموزش و پرورش، یک کار می‌خواستیم، نقشه راه خود را مبتنی بر سند تحول بیاور تا بدانیم بر چه اساسی می‌خواهد حرکت کند. سندی نوشته شده و وزارتخانه می‌خواهد نقشه عملیاتی رسیدن به اهداف سند را تدوین کند.

### در دولت احمدی نژاد

**اشتباه اساسی در اجرایی شدن سند تحول آموزشی و پرورشی شکل گرفت**

**در وزارت آموزش و پرورش کدام دولت این کار را مطالبه کرده بودید؟**

اواخر دولت آقای احمدی نژاد شروع شده و در دولت روحانی ادامه داشت. این اتفاق در سال ۱۳۹۰ کلید خورد اما طبیعتاً پیگیری اساسی ما به دوران دولت روحانی برمی‌گردد، چون شروع و پیگیری سند، زمانی نیاز دارد. همچنین اواخر دولت احمدی نژاد، یک اشتباه اساسی در اجرایی شدن سند تحول شکل گرفت. آن اشتباه هم این بود که تحول را در ساختار دیدیم. یکباره آمدم قاعده را برهم زدیم و نظام ۳-۳-۶ تعریف کردیم. هم ما معلم و هم با فضای فیزیکی مدارس به مشکل خوردیم. ابتدای امر، دولت آقای روحانی با مساله‌ای مواجه شد و گیر کرد. متأسفانه در ابتدای همه دولت‌ها از این جنس اشکالات داریم. این اتفاق باعث می‌شود در حوزه نظارت بر محقق شدن مصوبات شورا، مشکل داشته باشیم، چون هیچ ضمانت اجرایی وجود ندارد. پنج سال گفتیم نقشه راه خود را بیاورید. بعد از پنج سال، وقتی نقشه را آوردند، می‌گوییم این نقشه راه را براساس چه منطقی نوشتید؟ با تسامح می‌پذیریم و می‌گوییم برای محقق شدن این سیاست‌های کلان، نیازمند یک سری زیرنظام‌ها جهت اجرایی کردن امور هستید. این زیرنظام‌ها بعد از هشت سال تصویب می‌شود. بعد ما می‌خواهیم به دنبال دستاورد سیاست‌های شورا بگردیم. سیاست‌ها و دستاوردهای شورا در مرحله اجرا، در دست مجریان است، به همین خاطر باید ضمانت اجرایی نیز در دست این دستگاه باشد. به نظر من شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه خیلی موفق نبوده است.

### بازنمایی بیرونی از شورای عالی انقلاب فرهنگی، چندان خوب نیست

**منظورتان از عدم موفقیت شورا، تنها درباره سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است؟**

به نظر من همه مصوبات خیلی موفق نبوده، به همین دلیل بازنمایی بیرون

### پرداختن به حوزه تعلیم و تربیت بر حوزه علم اولویت دارد

**جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظام حکمرانی کشور را چطور ارزیابی می‌کنید؟ و با توجه به نکات مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، نسبت امروز شورا با این بیانیه را چطور می‌بینید؟**

اولاً سوال سختی است! قبل از اینکه به سوال از منظری که شما گفتید، جواب بدهم، اگر شکل‌گیری شورای عالی انقلاب فرهنگی را مدنظر قرار بدهیم، شاید راحت‌تر بتوان پاسخ داد. باید ببینیم فلسفه وجودی شورای عالی انقلاب فرهنگی چه بود؟ زمانی که دانشگاه‌ها را تعطیل کردیم، این کار به چه دلیل انجام شد؟ به نظر من اگر فلسفه وجودی را مقداری درست درک کنیم، متوجه می‌شویم اکنون باید چه کاری انجام دهیم. موضوع فرهنگ که همپوشانی تمام‌عیار با حوزه تعلیم و تربیت دارد باید مأموریت اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد. شاید سریع به مباحثی ورود کنم که در سوالات بعدی شما هم باشد. اما جهت ما را مشخص می‌کند. پرداختن دقیق‌تر به حوزه تعلیم و تربیت بر حوزه علم اولویت دارد. از این منظر به‌نحوی وضعیت شورای عالی انقلاب فرهنگی را تعیین تکلیف می‌کند.

متناسب با این رویکرد باید چه کند؟ در این حوزه باید ریل‌گذاری‌های مناسب انجام دهد. شورای عالی مرجع قانونگذاری به معنای سیاستگذار بوده و موضوعی روشن است. گاهی اوقات بحث‌هایی صورت می‌گیرد مبنی بر اینکه جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی یا جایگاه مجلس چیست؟ با توجه به حکمی که خود امام (ره) دادند و رهبری نیز تأکید دارند، مشخص است شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرجع سیاستگذاری کلان است. به نظر من اگر این حوزه سیاستگذاری کلان در راستای تعلیم و تربیت، محوریت این کار قرار بگیرد، شورای عالی انقلاب فرهنگی مسیر درستی را طی کرده است، چون فرهنگ زاینده تعلیم و تربیت است. اگر از این منظر به کار نگاه کنیم و دقت نظری داشته باشیم، تقریباً می‌توانیم درهای بعدی ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به موضوعات مختلف را پیدا کنیم.

### زمانی که منیت به جای ساختار عمل کند

**پیگیری کارها دچار مشکل خواهد شد**

**شما بحث مجلس را نیز پیش کشیدید. آیا نهاد های دیگر می‌توانند وظایف این شورا را انجام دهند یا خیر؟ این همپوشانی را قبول دارید؟**

باز هم قبل از اینکه به سوال شما جواب بدهم، باید عرض کنم ساختارها ایجاد شده‌اند تا ما به اهدافمان برسیم. دستیابی به اهداف الزاماً با ایجاد ساختارها محقق نخواهد شد. هدف، هدف درستی است. برای تسهیل‌گری بوده، برای این است تا اتفاق دقیق‌تری رخ بدهد، فرایند به‌درستی طی شود و ما به هدفمان برسیم. اما من احساس می‌کنم این ساختارها، موجودات زنده هستند. به واسطه اینکه انسان روی ساختار می‌نشیند، ساختار تبدیل به موجود زنده می‌شود و در نتیجه منیت‌های ما در اینجا کار می‌کند.

این منیت‌ها از کار نمی‌افتند. وقتی من نماینده مجلس هستم، کار را به سمت خودم می‌کشم و اگر در شورای عالی انقلاب فرهنگی مسئولیت دارم، می‌خواهم کار را به سمت خودم بکشم. در نظامات ما، ساختار به این معنا جواب نمی‌دهد؛ مگر اینکه ما یک سیستم دقیق و کارخانه‌ای داشته باشیم. عین سیستمی که ما مشابه خیلی خوبش را در غرب می‌بینیم. نقطه صفر تا صد ساختار مشخص است اما اشکالی دارد. آن اشکال، حوزه الهیات است. این موضوع، بحث‌های نظری دارد و دوست ندارم وارد شوم. حوزه الهیات از زمانی که «کانت» وارد عرصه فلسفه شده، خروجی‌اش می‌شود اتفاقاتی که اکنون در غرب می‌افتد. آنها حوزه الهیات را کنار می‌گذارند و می‌گویند ما فقط با اینجا کار داریم و باید همین‌جا را بسازیم. در نتیجه ساختارها بیشتر به سمت شاخص‌های کمی می‌روند ما درگیر الهیات با شاخص‌های کیفی‌اش می‌شویم و ارزیابی هم نداریم، همه کاری با همدیگر می‌کنیم. از این جهت مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی قطعاً همپوشانی‌هایی در کار دارند، چون ما مسئولیتی نداریم تا بخواهیم تعارف کنیم. تعارف سیاسی نداریم؛ کارها همپوشانی دارد. این همپوشانی‌ها با تعامل و دیالوگ حل می‌شود. هیچ راه دیگری غیر از این ندارد.

ما نمی‌توانیم به ساختار تکیه کنیم و بگوییم این قضایا حل می‌شود. به عنوان مثال مورد کنکور را در نظر بگیریم. نمی‌توانیم بحث کنیم و بگوییم ما سال‌ها قبل، زودتر ورود کردیم. من راحت حرف می‌زنم؛ گویی موزیک پخش می‌کنند و می‌گویند هرکسی زودتر روی صندلی نشست! هنوز نگاه بین شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس را باید به این سطح ببریم؟ هرکه زودتر وارد عرصه